

## غناء

سید محمد موسوی بجنوردی<sup>۱</sup>

**چکیده:** مقاله حاضر، تلاشی است جهت بررسی مسأله غناء در فقه اسلام و اینکه آیا بر هر صوت موزون و زیبا، غناء اطلاق می‌شود یا خیر؟ نگارنده، برای بررسی تفصیلی، در ابتدا به معنای لغوی و اصطلاحی غناء می‌پردازد و در ادامه غنای محلل و غنای محرم و ویژگیهای غنای محرم را برمی‌شمرد و ضمن بررسی روایات متعارض در این زمینه، به بیان نظر محقق سبزواری در خصوص جمع روایات در این باب می‌پردازد. نویسنده در پایان نتیجه می‌گیرد که به طور مطلق نه می‌توان قائل به جواز شد و نه قائل به حرمت، بلکه باید در این زمینه قائل به تفصیل گردید. **کلیدواژه:** غناء، غنای محلل، غنای محرم.

### مقدمه

غناء از جمله بحثهای فقهی است که به دلیل موضوع خاص آن، سؤالات مختلفی پیرامون آن مطرح می‌شود. از قبیل اینکه آیا بر هر صوت موزون و زیبا، غناء اطلاق می‌شود؟ و آیا غناء در

---

۱. مدیر گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم.

اسلام مطلقاً حرام است؟ یا مطلقاً جایز است؟ یا اینکه قسم خاصی از آن حرام بوده و بقیه مصادیق آن جایز می‌باشد؟ و به تبع آن، نظریات مختلفی نیز در این باب وجود دارد. برای روشن شدن حقیقت مطلب، ابتدا باید مشخص شود که غناء چه معنایی دارد؟ و ملاک حرمت آن چیست؟ تا پس از بررسی روایات مختلف در این زمینه، بتوان به یک نتیجه کلی دست یافت.

### معنای لغوی غناء

برای دستیابی به معنای موضوعی هر کلمه و معنای حقیقی هر شیء، نمی‌توان به قول و نظر علمای اهل لغت استناد کرد و قول آنها در این باب حجت نمی‌باشد. چرا که معمولاً ملاک لغویون، استعمال لغات در اشعار، سخنان و اقوال مردم می‌باشد و در استعمال نیز مسائل مختلفی از جمله استعاره، مجاز، تناسب حکم با موضوع، تناسب جلسه، تناسب گوینده و موارد دیگر در نظر گرفته می‌شود که در آینده ممکن است بر اثر کثرت استعمال، این واژه برای معنای دیگری تعیین پیدا کند.

به عنوان نمونه اگر به متون اسلامی رجوع کنیم درمی‌یابیم که برای معنای ترور، از کلمه «اغتيال» یا «فتک» استفاده می‌شده است و شاهد مثال در این زمینه روایتی از پیغمبر اکرم (ص) است که حضرت فرمودند: «المسلم قیدُ الفتک» [محمد بن جریر طبری، حضرت مسلم] یعنی مسلمان هیچ‌گاه ترور نمی‌کند. این روایتی بود که حضرت مسلم آن را به عنوان دلیل عدم حمله به ابن زیاد در خانه هانی، بیان کرد و به آن تمسک نمود.

اما امروزه در الفاظ جدید عرب از کلمه «ارهاب» از ریشه رَهَب به معنای ترس، برای مفهوم ترور استفاده می‌شود. به گونه‌ای که برای تروریستها، واژه «ارهابیون» به کار می‌رود. در حالی که این کلمه با کلمه زمان صدور روایت تفاوت می‌کند.

## معنای اصطلاحی غناء

از آنجایی که استعمال لفظ غناء در اشعار عرب در معانی متفاوتی بوده، لذا برداشتهای مختلفی نیز از این واژه صورت گرفته است و هر کس با توجه به ذوق و سلیقه و برداشت خود از این اشعار، غناء را به صور مختلفی معنی کرده است. از جمله اینکه، غنا همان صوت است، یا غنا ترجیع صوت است یا غناء ترجیع صوت مطلوب می‌باشد و یا اینکه غناء همان صوت مُرَجَّع مطرب حسن است.

اما کدام یک از این معانی مد نظر شارع مقدس بوده و کدام یک را مورد نهی قرار داده است؟ برای دستیابی به این مطلب باید ببینیم که شرع مقدس، غناء را چگونه معنا کرده است و چه ملاکها و مناطهایی را شرط حرمت آن قرار داده است؟ همچنین غناء در عرف چگونه تعریف می‌شود؟

## اقسام غناء

لفظ غناء طبق مفهوم عرفی، به معنای آواز و صدای موزون معادل واژه «موسیقی» و کلمه‌ای یونانی است. این صدای موزون گاه به واسطه فعل انسان از آلاتی که از جمادات هستند خارج می‌شود و گاه از حنجره انسان و گاه از حنجره حیواناتی همچون بلبل و قناری.

قبل از بررسی روایات با مراجعه به عقل سلیم و فطرت پاک، مشخص می‌شود که هر صدای موزون و زیبا، در اسلام حرام نمی‌باشد. چرا که قوانین دین اسلام طبق مصالح و مفاسد واقعی و طبق فطرت بنا شده است و هیچ‌گونه حکم تحمیلی بر انسانها ندارد. اینگونه نیست که هر لذت و خوشی، ممنوع و حرام باشد. شیعه معتقد به حسن و قبح عقلی بوده و قائل است که شرع مقدس هیچ چیزی را حلال و حرام نمی‌کند مگر آنکه مصلحت یا مفسده ملزمه‌ای در آن نهفته باشد و این مسأله در علم کلام با دلیل و برهان به اثبات رسیده است. از جمله مواردی که خداوند تبارک و تعالی به دلیل مفسده ملزمه، چیزی را حرام کرده، شرب خمر می‌باشد چرا که نوشیدن آن سبب خروج از حالت تعادل، زوال عقل، میل به فساد و بروز جنبه حیوانیت در انسان می‌شود. مسأله غناء نیز همین‌گونه است. مسلماً غنائی که

مفسده برانگیز باشد، مورد حرمت قرار می‌گیرد. پس می‌توان گفت که غناء بر دو قسم است: ۱- غنای محلل؛ ۲- غنای محرم.

در غنای محلل، خود صدای موزون، فی نفسه مد نظر قرار می‌گیرد که امری مباح است، اما اگر این صدای موزون و این آواز با چیزی ترکیب شود و بعد از ترکیب با آن شیء، دارای مفسده ملزمه گردد، غنای محرم نامیده می‌شود. این قسم از غناء دارای یکسری ویژگیهای خاص می‌باشد.

### ویژگیهای غنای محرم

در تعاریفی که از غناء مطرح گردید به یکسری از قیود اشاره شد از جمله ترجیع صوت و مطرب بودن اما این دو ویژگی، شرط کافی برای حرمت غناء نمی‌باشند. و از نظر نگارنده ماده و محتوای اشعار نیز مهم است که به بررسی هر کدام از آنها می‌پردازیم.

#### الف. ترجیع صوت

در مورد ترجیع صوت، سؤالات گوناگونی مطرح می‌شود. از جمله اینکه آیا ترجیع صوت، اختصاص به انسان دارد یا اینکه صدای برخی از پرندگان از جمله بلبل و قناری یا برخی از چهارپایان از جمله حمار که در آن ترجیع و کشش وجود دارد نیز غناء محسوب می‌شود و استماع آنها اشکال دارد؟

مضافاً اینکه آیا هر ترجیعی حرام است؟ آیا صرف کشش و زیبا کردن صوت، سبب حرمت آن می‌شود؟ می‌دانیم که به طور کلی زیبایی هر چیزی به موزون بودن آن است و موزون بودن هر چیزی با مقیاس خودش سنجیده می‌شود. مثلاً زیبایی خط به موزون بودن حروفی است که در نوشتار به کار رفته است. اما موزون و زیبا بودن صدا به کشش مناسب صوت و رعایت کوتاهی و بلندی آن است.

آیا به صرف اینکه این صدا دارای ترجیع و کشش می‌باشد و طبع انسان از آن لذت می‌برد، باید آن را تحریم کرد؟ آیا احکام شریعت اسلام برخلاف فطرت انسانها می‌باشد؟

طبق مطالب گفته شده، چون احکام اسلام تابع مصالح و مفاسد واقعی است و از طرفی برخلاف فطرت انسانها نیز نمی‌باشد لذا هرگونه ترجیح و کشش صوت، به تنهایی سبب حرمت غناء نمی‌شود.

### ب. طرب

در مورد طرب این مسأله مطرح می‌شود که اولاً مفهوم آن چیست؟ و آیا هر لذت و خوشی، طرب نامیده می‌شود؟ و آیا هرگونه احساس خوشایند، ملازمه با حرمت دارد؟ و اصولاً به چه غنائی، مطرب گفته می‌شود؟ به طور مسلم ایجاد هرگونه لذت و احساس خوشایند در انسان، ممنوع نیست و به آن طرب هم گفته نمی‌شود. چرا که فطرت انسان، طالب زیبایی و کمال است و از آنجایی که عشق به کمال و جمال مطلق دارد، لذا در خود احساس کشش و تمایل به سمت زیبایی پیدا می‌کند. از هوای خوب، غذای خوب، صدای خوب و ... خوشش می‌آید و لذت می‌برد. چون شارع مقدس برخلاف فطرت انسانها، حکمی را تشریح نمی‌کند در نتیجه هر لذت و خوشی به نظر او حرام نیست. حتی از آنجایی که صوت نیکو، سیمای نیکو، خلق نیکو و سایر ویژگیهای حسن، موجب جذب انسانها می‌شود؛ خداوند متعال از این خصلت انسانها استفاده کرده و پیامبرانش را با این ویژگیها به سوی بشر فرستاده است تا در دعوت به سوی خود موفقتر باشند. از این مطلب مشخص می‌شود که خوش صدا بودن یعنی کلام موزون را از حنجره بیرون آوردن، فی‌نفسه امری نیکو است و شارع مقدس خوش آمدنی را حرام اعلام می‌کند که موجب زوال عقل و خروج از حالت تعادل در انسان و سوق به سمت فساد و فراموشی و غفلت یاد خدا شود که این از نظر عقلاً نیز ناپسند می‌باشد.

در نفس ناطقه انسان یکسری مقتضیاتی وجود دارد که تحت تأثیر عوامل خارجی از قوه به فعل درمی‌آید؛ و البته این اختصاص به انسانها ندارد و در حیوانات نیز دیده می‌شود. از جمله عوامل خارجی که در آن اثر می‌گذارد، صدا و صوت می‌باشد که می‌تواند انسان را از حالت طبیعی خارج کند. کما اینکه نواختن موسیقی سبب بروز حرکات موزونی در برخی از مارها می‌شود، و در صورتی در انسان خروج از تعادل حرام می‌باشد که منجر به مفسده شود و گرنه

هر خروجی از تعادل حرام نیست. چون گاهی شنیدن یا خواندن صوتی از قرآن به قدری در انسان تأثیر می‌گذارد که گویی از عالم ناسوت خارج شده و در ملکوت سیر می‌کند. اگر خروج از تعادل و زوال عقل به واسطه شهوت صورت گیرد، که انسان در آن لحظه ذکر و یاد خدا را از یاد برده و از فطرت اولیه‌اش دور می‌شود و به سمت وادی انحراف سوق پیدا می‌کند؛ بدین جهت مورد نهی شریعت قرار می‌گیرد.

بنابراین، شنیدن صدای بلبل یا قناری یا خزان برگ، به صرف اینکه احساس خوشایندی در انسان ایجاد می‌کند، ممنوع نیست. چون که موجب ازاله عقل و اندیشه انسان نمی‌گردد و خوشایندی نسبت به آن، طبق فطرت زیبایی طلب انسان می‌باشد. لذا غنا در صورتی مطرب شمرده می‌شود و حرام است که استماع صدا، مثیر شهوت گردد و فرد را از تعادل روحی و روانی خارج کند و تعقلش را زایل نماید و حالتی همچون حالت سُکر در او پدید بیاورد که مسلماً این حالت متبوع مفسد دیگری هم خواهد بود.

### ج. محتوای ناپسند اشعار

علاوه بر ترجیع و طرب، عامل دیگری که در حرام شدن غناء تأثیر دارد، محتوا و الفاظ اشعار می‌باشد. چرا که ماده و لفظ می‌تواند سبب دگرگون شدن حالت انسان و خروج از تعادل گردد.

کما اینکه محتوای اشعار ادبی، سبب دگرگون شدن حال برخی از عاشقان ادبیات می‌شود یا مطالب عرفانی، سبب تحول برخی از عرفا می‌گردد. در حالی که ممکن است همین مطلب و همین لفظ در فرد دیگری که با مفهوم آن آشنایی ندارد، هیچ‌گونه تأثیری نداشته باشد.

بنابراین نفس صوت موزون با قطع نظر از مقارنات و عوارض آن، امری مباح می‌باشد؛ اما همین صدای موزون در ضمن کلمات شعر، حکم حرمت یا حلیت پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، ترکیب و اتحاد صدای موزون با کلمات، همچون اتحاد عرض و معروض و بلکه بالاتر، عینیت عرض و معروض می‌باشد. به گونه‌ای که عرض وقتی که عارض بر معروض می‌شود نه تنها از اطوار آن بلکه عین معروض می‌شود.

بنابراین در تعریف غناء می‌توان گفت که: غناء عبارت است از صوت همراه با ترجیع و طرب مُشیر شهوت با الفاظ ناپسند که به طور مجموع سبب زوال عقل شده و در نهایت انسان را به سمت انحراف سوق داده و موجب فراموشی یاد خدا و غفلت از او می‌شود.

### نظر مرحوم فیض کاشانی در مورد غناء

مرحوم فیض در کتاب وافی می‌گوید: «الذی ینظر من مجموع الاخبار اختصاص حرمة الغناء و ما یتعلق به من الأجر و التعلیم و الاستماع و البیع و الشراء کلّه بما کان علی نحو المتعارف فی زمن بنی امیه و بنی العباس من دخول الرجال علیهنّ و تکلمهنّ بالباطل و لعبهنّ بالملاهی من الايدان و القضيب و غیرهما دون ماسوی ذلك من انواعه كما یشعرُ به قوله<sup>(۴)</sup> لیست بالتی تدخلُ علیه الرجال. الی ان قال و علی هذا فلا بأس بالتغنی بالاشعار المتضمن بذکر الجنّه و النار، و التثویق الی دار القرار و وصف یقیم المَلِکِ الجِبَارِ و ذکر العبادات و الرغبات فی الخیرات و الزهد فی القانیات و نحو ذلك كما اشیر الیه فی حدیث الفقیه فی الجاریسه التی لها صوت، لا بأس لو اشتریتها فذکرتک الجنّه و ذلك لانّ هذا کلّه ذکر الله. و ربّما تقشعرُ منه الجلود الذین یخشون ربّهم ثم تلین جلودهم و قلوبهم الی ذکر الله. و بالجمله فلا یخفی علی ذوی الهجاء بعد سماع هذه الاخبار تمییز حق الغناء عن باطله. و اکثر ما یتغنی به الصوفیه فی محافلهم، من قبیل الباطل.»

مرحوم فیض معتقد است که خود غناء فی نفسه حرمت ندارد بلکه علت حرمت آن، به دلیل مقارناتش می‌باشد. به عبارتی ایشان غنای محرم ذکر شده در روایات ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> را، خاصّ مجالسی همچون مجالس لهو و لعب زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس می‌داند که در این مجالس، علاوه بر غناء افعال محرم دیگری همچون اختلاط زن و مرد نامحرم، رقص، سگ بازی، قمار، شرب خمر و ... انجام می‌شده که کل مجلس را تبدیل به مجلس معصیت می‌کرده است. علت حرمت غناء، حرمت مجلس آن می‌باشد که اینک در متن روایات نیز به عبارت «مجلس غناء» اشاره می‌شود.

لذا ایشان می‌فرماید که غنای محرم مربوط به غنائی است که در مجالس زمان بنی امیه و بنی عباس خوانده می‌شده چرا که کل مجلس آنها به دلیل سایر افعال و مقارنات غناء، حرام می‌گردید. از جمله ورود مردان بر زنان، خوانده شدن اشعار باطل، ساز زدن زنان، ... که کل جلسه را حرام می‌کرد.

ولی اگر غناء و شعر متضمن یاد آخرت، بهشت، جهنم، صفات باری تعالی، ترغیب به کارهای خیر و فانی بودن دنیا باشد و منجر به مقارنات حرامی نگردد هیچ اشکالی ندارد و حلال می‌باشد.

### بررسی روایات

روایات در باب غناء متفاوت است. برخی از روایات، غناء را جایز دانسته‌اند و کسب حاصل از آن را حلال و برخی دیگر بر قرائت قرآن با صدای نیکو و موزون تأکید کرده‌اند و دسته‌ای دیگر نیز دلالت بر حرمت غناء و کسب حاصله از آن می‌کنند. حال چگونه می‌توان این روایات را با هم جمع کرد؟

نکته مهمی که در بررسی روایات باید مورد توجه قرار داد آن است که قبل از بررسی صحت و سقم سند روایت و عمل اصحاب به آن، بهتر است متن روایت و محتوای آن را بررسی کنیم. اگر متن حدیث با شأن و مقام انسان کامل سختی نداشت و خلاف عقل، اخلاق، مروت و انصاف بود، حدیث جای تأمل دارد ولو آنکه سند آن صحیح باشد. چرا که روایات بسیاری در دین ما وارد شده که صحیح بوده ولی جزء اسرائیلیات است. روایات وارد شده در باب غناء نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. حال به بررسی روایات مختلف بسبب غناء می‌پردازیم.

### الف. روایات وارد شده در باب کسب حاصل از غناء

۱- «محمد بن یعقوب، عن عدّه من اصحابنا، عن احمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن علی بن ابي حمزه، عن ابي بصير قال: سألت ابا عبدالله<sup>(ع)</sup> عن كسب المغنّيات، فقال: التي يدخلُ



عليها الرجال حرام، و التي تدعى الى الأعراس ليس به بأس و هو قول الله عزوجل: و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضلّ عن سبيل الله. [حرّ عاملي ۱۴۰۳ ج ۱۲ باب ۱۵: ۸۴ روایت ۱]

این روایت موثقه بوده و در سه کتاب از کتب اربعه یعنی کافی، تهذیب و استبصار نقل شده است.

در این روایت از امام صادق<sup>(ع)</sup> در مورد کسب زنان آوازه‌خوانی که آوازخواندن شغل آنها بوده سؤال شده است. حضرت در پاسخ فرمودند: اگر مردان بر آنها وارد شوند، کسبشان حرام است. اما در صورتی که به مجالس عروسی دعوت شوند و در آنجا بخوانند، اشکالی ندارد.

از اینکه حضرت فرمودند در مجالس عروسی، کسبشان اشکالی ندارد مشخص می‌شود که در این مجالس مردان حضور نداشته‌اند. چرا که در فقره قبل، علت حرمت کسب آنها را ورود مردان ذکر کرده است. لذا از این روایت برمی‌آید که تغنی و کسب از راه آن حرمت ذاتی ندارد و امری مباح و جایز است، مگر آنکه منجر به مفسده‌ای شود. از طرفی چون احکام اسلام مبتنی بر مصالح و مفاسد است، اگر چیزی فی‌نفسه مفسده داشته و مبعوض شارع مقدس باشد در همه زمانها و مکانها حرام خواهد بود و بین مجلس عروسی و غیر آن تفاوتی نمی‌باشد. به عنوان مثال اگر شرب خمر حرام است در همه جا حرمت دارد و اینطور نیست که در حطیم یعنی بین حجرالاسود و مقام ابراهیم، شرب آن جایز باشد. لذا این روایت، دلالت بر آن دارد که غناء و کسب از راه آن به طور مطلق حرام نمی‌باشد.

۲- «و عنهم، عن احمد عن الحسين عن حَكَم الخياط عن ابي بصير، عن ابي عبدالله<sup>(ع)</sup> قال: الْمُغَنِّيَةُ الَّتِي تَزُفُّ الْعَرَّاسَ لِأَبَاسٍ بِكَسْبِهَا.» [حرّ عاملي ۱۴۰۳ ج ۱۲ باب ۱۵: ۸۴ روایت ۲]

این روایت را نیز کلینی در کافی و شیخ طوسی در تهذیب و استبصار نقل می‌کند. در اینجا نیز حضرت کسب زن آوازه‌خوان را در مجالس عروسی، بی‌اشکال می‌داند. نه تنها خواندن او را نهی نکردند که بالاتر از آن، کسبش را هم جایز دانسته‌اند.

۳- «و عنهم، عن احمد عن الحسين عن النضر بن سويد عن يحيى الحلبي عن ايوب بن الحر عن ابي بصير قال: قال ابو عبدالله<sup>(ع)</sup>: اجرُ الْمُغَنِّيَةِ الَّتِي تَزُفُّ الْعَرَّاسَ لَيْسَ بِهَ بَأْسٍ. و لَيْسَ بِالَّذِي يَدْخُلُ عَلَيْهَا الرِّجَالُ.» [حرّ عاملي ۱۴۰۳ ج ۱۲ باب ۱۵: ۸۵ روایت ۳]

این روایت را کلینی در کافی و صدوق در من لایحضره الفقیه نقل می‌کند. حضرت می‌فرمایند که زن آوازه‌خوانی که در مجالس عروسی می‌خواند، مالک اجرتش شده و کسب او حلال می‌باشد، البته تأکید می‌کنند که در صورتی که مردان بر او وارد نشوند. در این حدیث شریف نیز، حضرت خود آواز خواندن را حرام نمی‌دانند بلکه با آوردن قید «لیست بالتی یدخل علیها الرجال» به ما می‌فهمانند که چون ورود مردان به این مجالس، ملازمه با فسق و فجور دارد، لذا تغنی در این فرض مورد نهی شارع مقدس قرار می‌گیرد.

۴- «و عن ابی علی الأشعری، عن الحسن بن علی، عن اسحاق بن ابراهیم، عن نضر بن قابوس، قال: سمعتُ ابا عبدالله<sup>(ع)</sup> یقول: المغنیه ملعونه، ملعونٌ من آکل کسبها» [حرّ عاملی ۱۴۰۳ ج ۱۲ باب ۱۵: ۸۵ روایت ۴]

این روایت را کلینی در کافی و شیخ در تهذیب و استبصار نقل می‌کند. در این حدیث شریف، برخلاف احادیث گذشته ظاهراً حضرت به طور مطلق زن مغنیه را در مورد لعن قرار داده و کسب او را حلال نمی‌دانند. اما در حقیقت، این روایت نه تنها با روایات گذشته تعارضی ندارد بلکه با آنها قابل جمع نیز می‌باشد. منظور امام<sup>(ع)</sup>، زن مغنیه و آوازه‌خوانی است که در مجالس فسق و فجور بخواند و هر کسی هم که از اجر و مزد او استفاده کند را مورد لعن قرار می‌دهد. اما طبق روایات دیگر، اگر در مجالس عروسی که معمولاً مردان وارد نمی‌شوند تغنی صورت گیرد، هم عمل او جایز بوده و هم اجر و مزد او حلال می‌باشد.

۵- «عبدالله بن جعفر (برادر امام موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup>) فی قُرب الاسناد عن عبدالله بن الحسن، عن علی بن جعفر، عن اخیه قال: سألتُه عن الغناء، هل یصلُح فی الفطر و الاضحی و الفرح؟ قال: لا یأس به مالم یُغصّ به.» [حرّ عاملی ۱۴۰۳ ج ۱۲ باب ۱۵: ۸۵ روایت ۵]

از حضرت پرسیدند که آیا آواز خواندن در عید فطر و عید قربان و یا هر مجلس جشن و سروری (اعم از مجلس عروسی، بچه‌دار شدن، از سفر برگشتن و...) جایز است یا نه؟

ایشان فرمودند: تا وقتی که عصبان امر خدا نشود و فعل حرامی در آن مجلس صورت نگیرد، تغنی اشکالی ندارد. از اینکه حضرت، تغنی در اعیاد مذهبی از جمله عید فطر و قربان را جایز می‌داند، مشخص می‌شود که صرف آواز خواندن مغنیه و کسب درآمد از این راه،

حرمت ندارد و بلکه برعکس، تغنی در این ایام نه تنها مفسده ندارد که مودت را هم بیشتر می‌کند. مثلاً وقتی که پیامبر اکرم (ص) می‌خواستند وارد مدینه شوند، زنان مدینه دف می‌زدند و پاهایشان را بر زمین می‌کوبیدند و اشعاری را در مدح حضرت می‌خواندند: «طلعت البدرُ علينا عن سننات الوداعی و جب الشکر علينا ما دع الله داع». این عمل آنها در واقع تجلیل از نبی اکرم (ص) و سبب تقویت اسلام بوده است.

و اینکه زنان پیامبر (ص) در شب عروسی حضرت زهرا (ع) اشعاری را در وضو گرفتن حضرت می‌خواندند و حضرت، این کار زنان را نهی نکردند. از این عمل برداشت می‌شود که حتی صرف ورود مردان بر زنان هم موجب حرمت غنا نمی‌شود بلکه منظور جلساتی است که مردان حضور دارند ولی جلسه، جلسه فسق و فجور است. اگر چیزی ذاتاً ناپسند باشد، بین عید و غیر عید هیچ فرقی وجود ندارد. اگر ربا ناپسند است اینطور نیست که در مکه حلال باشد و در سایر مکانها حرام، بلکه در همه شرایط و زمانها و مکانها ناپسند است. مضافاً اینکه اگر چیزی مبعوض شارع مقدس باشد، قبیح است که بگوئیم در اعیادی مثل عید فطر، انجام آن اشکالی ندارد.

۶- «محمد بن الحسن باسناده عن احمد بن محمد عن البرقی عن عبدالله بن الحسن الدینوی قال: قلت لابی الحسن (ع) جعلت فداک. ماتقول فی النصرانیة اشتریها و أبيعها من النصرانی؟ فقال: اشتر و بیع. قلت: فأنکح؟ فسکت عن ذلك قليلاً ثم نظر الیّ و قال شبه الاخفاء: هی لک حلال، قال: قلت جعلت فداک فأشتری الممّنیة او الجاریة التي تحسن او تغنی ارید بها الرزق لاسوی ذلك، قال: اشتر و بیع.» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۱۲ باب ۱۶: ۸۶ روایت ۱]

شیخ این روایت را در تهذیب نقل می‌کند. فردی از امام (ع) سؤال می‌کند که من جاریه‌ای نصرانی را می‌خرم و به یک نصرانی می‌فروشم. آیا این خرید و فروش جایز است؟ حضرت فرمودند: بله.

سپس در مورد جواز نکاح با او سؤال می‌کند. حضرت در پاسخ سکوت کردند و سپس به آهستگی فرمودند: بله، حلال است.

آنگاه در مورد زن نصرانی‌های که آوازه‌خوان و خوش صدا هم باشد و از طریق خواندن او بخواهد پولی را به دست آورده و امرار معاش کند، پرسش می‌نماید. امام<sup>(ع)</sup>، خرید و فروش این مغنیه را هم جایز دانستند.

۷- «محمد بن علی بن الحسین قال: سأل رجل عن علی بن الحسین<sup>(ع)</sup> عن شراء جاریه لها صوت، فقال: ما عليك لو اشتريتها فذكرتک الجنه، یعنی بقراءه القرآن و الزهد و الفضائل التي لیست بغناء فأما الغناء فمحظور» [حرّ عاملی ۱۴۰۳ ج ۱۲ باب ۱۶: ۸۶ روایت ۲]

این روایت را شیخ در تهذیب نقل می‌کند که از امام سجاده<sup>(ع)</sup> در مورد خریدن جاریه‌ای خوش صدا سؤال کردند. حضرت فرمودند: اگر آواز این جاریه تو را به یاد بهشت و آخرت بیندازد یا با صدای خوب قرآن بخواند، یا اشعاری را در مدح زهد و فضایل و افعال نیکو بخواند، اشکالی ندارد. اما اگر غناء و لهو الحدیث باشد، جایز نیست. از این روایت مشخص می‌شود که اگر خواندن، موجب ذکر و یاد خداوند شود جایز است و الا در صورتی که غفلت بیاورد، ممنوع می‌باشد. پس می‌توان نتیجه گرفت که غناء بر دو قسم است. یک غنای محمّل و جایز و دیگری غنای محرم. و اینکه امام<sup>(ع)</sup> در این روایت قرائت قرآن و ذکر فضایل را غناء یعنی غنای حرام ندانسته است.

### ب. روایات وارد شده در باب خواندن زنان در مجالس عزا

یکسری دیگر از روایات در مورد زنان خوش صدایی است که در مجالس عزاداری می‌خوانند و نوحه‌سرایی می‌کنند.

۱- «محمد بن یعقوب عن عدّه من اصحابنا، عن احمد بن محمد، عن علی بن الحکّم، عن یونس بن یعقوب، عن ابی عبدالله<sup>(ع)</sup> قال: قال لی ابو جعفر: اوقف لی من مالی کذا و کذا لتوادب تنلّبی عشر سنین بمنی ایام منی» [حرّ عاملی ۱۴۰۳ ج ۱۲ باب ۱۷: ۸۸ روایت ۱]

این روایت را کلینی در کافی و شیخ در تهذیب و صدوق در من لایحضره الفقیه نقل می‌کند.

در این روایت، امام صادق<sup>(ع)</sup> از امام باقر<sup>(ع)</sup> نقل می‌کند که حضرت به من گفتند که مقداری از مال مرا وقف زنانی کن تا مدت ده سال در ایام تشریق (یعنی دهم و یازدهم و دوازدهم ذی‌الحجه) در منی به اقامه عزاداری برای حجاج می‌پردازند.

آنچه که مسلم است هدف حضرت از این کار صرفاً خواندن اشعار نبوده بلکه تعظیم شعائر و مشخص شدن حق ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> و زنده نگه داشتن یاد و خاطره و تبیین مظلومیت آنها بوده است.

علت اینکه حضرت، منی را انتخاب می‌کنند این بوده که محل مناسبی برای تجمع کثیری از حجاج کشورهای مختلف بوده و از این طریق حقانیت ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> در سطح وسیعی منتشر می‌شد.

به قرینه روایات گذشته مشخص می‌شود که زنان نوحه خوان برای زنان حجاج نوحه‌سرایی می‌کردند و نه مردان. چون در غیر آن صورت، در آن مجلس معصیت خدا انجام می‌شد.

۲- «و بالاسناد عن علی بن الحکیم، عن مالک بن عطیه، عن ابی حمزه، عن ابی جعفر<sup>(ع)</sup> قال: مات الولید بن المغیره. فقالت ام سلمه للنبی<sup>(ص)</sup>: ان آل المغیره قد أقاموا مناخه. فأذهب اليهم. فأذن لها. و تهیات و كانت من خشنها كأنها جان، و كانت اذا قامت فأرخت شعرها، جلل جسدها، و عقدت بطرفیه خلخالها، فندبت ابن عمها بین یدئ رسول الله<sup>(ص)</sup> فقالت:

انعی الولید بن الولید	ابا الولید فتی العشیره
حامی الحقیقه ماجد	یسمو إلى طلب الوتیره
قد کان غیثاً فی السنین	و جعفرأ غدقاً و میره

فما عاب رسول الله<sup>(ص)</sup> ذلك و لا قال شیئاً. [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۱۲ باب ۱۷: ۸۹ روایت ۲]

این روایت را کلینی در کافی و شیخ در تهذیب نقل می‌کند. حضرت باقر<sup>(ع)</sup> فرمودند: وقتی که ولید بن مغیره از دنیا رفت، ام سلمه همسر پیامبر<sup>(ص)</sup> به ایشان عرض کرد که اقوام و خویشان مغیره، مراسم عزاداری برپا کرده‌اند، به من اجازه بدهید که در آن شرکت کنم و حضرت هم اجازه دادند. ام سلمه لباس پوشید و به آنجا رفت و در حضور پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup>

شروع کرد به مرثیه خواندن برای پسر عمویش. اما حضرت در واکنش به عمل او، هیچ نگفتند و سکوت کردند.

۳- «و علی بن ابراهیم، عن ایبه (یعنی ابراهیم بن هاشم)، و عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن محمد بن اسماعیل جمیعاً عن حنان بن سدریر قال: کانت امرأةً مَعَنَا فِی الْحِیِّ وَ لَهَا جَارِیَةٌ نَائِحَةٌ. فَجَاءَتْ الِیْ أَبِی فَقَالَتْ: یَا عَمَّ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ مَعِیْشَتِی مِنْ اللَّهِ ثُمَّ مِنْ هَذِهِ الْجَارِیَةِ، فَأَحِبَّ أَنْ تَسْأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ<sup>(ع)</sup> عَنْ ذَلِكَ فَإِنْ كَانَ حَلَالاً وَالْأَبْعَثُهَا وَ أَكَلْتُ مِنْ ثَمَنِهَا حَتَّى یَأْتِیَ اللَّهُ بِالْفَرَجِ، فَقَالَ لَهَا أَبِی: وَ اللَّهُ إِنِّی لَاعْظِمُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ<sup>(ع)</sup> أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ، قَالَ: فَلَمَّا قَدِمْنَا عَلَیْهِ، أَخْبَرْتُهُ أَنَا بِذَلِكَ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ<sup>(ع)</sup> تُشَارِطُ؟ فَقُلْتُ: وَ اللَّهُ مَا أَدْرِی تَشَارِطُ ام لا، فَقَالَ: قُلْ لَهَا لَا تَشَارِطُ وَ تَقْبَلْ مَا أُعْطِیْتَ.» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۱۲ باب ۱۷: ۸۹ روایت ۳]

این روایت سند خوبی داشته و کلینی در کافی و شیخ طوسی در تهذیب و استبصار آن را نقل می‌کند. حنان بن سدریر می‌گوید که در شهرکی که ما زندگی می‌کردیم، زنی بود که جاریه‌ای خوش صدا داشت که فقط در عزاها و مصیبت‌ها می‌خواند. او به نزد پدرم آمد و گفت: تو خود می‌دانی که رزق و روزی در حقیقت به دست خداست اما من از طریق خواندن این جاریه در مجالس عزا، امرار معاش می‌کنم و آن وسیله رزق و روزی من است. می‌خواهم که از امام صادق<sup>(ع)</sup> در مورد این کار سؤال کنی که اگر حلال باشد، ادامه دهم وگرنه جاریه را بفروشم و با پول او، زندگی را بگذرانم تا خداوند فرجی کند.

پدرم گفت: به خدا سوگند من جرأت نمی‌کنم که این سؤال را از حضرت بپرسم. اما وقتی که ما (من و پدرم) به خدمت حضرت رسیدیم من جریان را برای ایشان نقل کردم، امام<sup>(ع)</sup> فرمودند: آیا این جاریه قبل از خواندن، مبلغ را شرط می‌کنند؟ گفتیم: به خدا سوگند من نمی‌دانم. حضرت فرمودند: به او بگو که اگر شرط نکند می‌تواند آنچه را که به او عطا می‌کنند، بپذیرد و حلال است.

در این روایت، حضرت در مورد «شرط کردن مبلغ و یا عدم آن» بحث می‌کنند ولی در مورد اصل آواز خواندن در تعزیه‌ها و مصیبت‌ها اشکال نمی‌کنند و اصل عمل را جایز و پول حاصل از آن را حلال می‌دانند.

۴- «و عن علی بن ابراهیم، عن ایهه (یعنی ابراهیم بن هاشم)، عن ابن ابی عمیر، عن الحسن بن عطیه، عن عذافر قال: سمعت ابا عبدالله<sup>(ع)</sup> و سئیل عن کسب النائحه. فقال: تَسْتَجِلُّهُ بَضْرِبِ اِحْدَى يَدَيْهَا عَلٰى الْاُخْرٰى.» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۱۲ باب ۱۷: ۹۰ روایت ۴]

این روایت را کلینی در کافی و صدوق در من لایحضره الفقیه نقل می‌کند. از امام صادق<sup>(ع)</sup> در مورد کسب زن آوازه‌خوان که صدای خوبی دارد و در مصیبت‌ها می‌خواند، سؤال شد. حضرت فرمودند که حلال است.

در روایت، به مسأله «کف زدن» اشاره شده است که در واقع اشاره به رسم و رسومات اعراب دارد و بحثی فرعی می‌باشد. در بین اعراب رسم بوده که در عزاداریها نوحه‌گر در حین خواندن، دست می‌زد و در همان حالت، دیگران بر سینه خود می‌زدند. در اینجا اصل بحث در مورد جواز خواندن و حلیت کسب آن است و نه کف زدن.

۵- «عن بعض اصحابنا، عن محمد بن حَسَنان، عن محمد بن رَجَوِيَه، عن عبدالله بن الحَكَم، عن عبدالله بن ابراهيم الجعفرى، عن خديجه بنت عَمْر بن علي بن الحسين<sup>(ع)</sup> في حديث قال: سمعت عمي محمد بن علي<sup>(ع)</sup> يقول: إنما تحتاج المرأة الى اللُتُوْح لِتَسِيْل دَمْعُهَا و لا يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تَقُولَ هَجْرًا، فإِذَا جَاءَ اللَّيْلُ فَلَا تُؤْذِي الْمَلَائِكَةَ بِاللُّتُوْح.» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۱۲ باب ۱۷: ۹۰ روایت ۱۶]

این حدیث شریف را کلینی در کافی نقل می‌کند. خدیجه (نوه امام حسین<sup>(ع)</sup>) از عمویش امام باقر<sup>(ع)</sup> نقل می‌کند که حضرت فرمودند: زنها نیاز دارند که کسی برایشان نوحه‌سرایی کند تا رقت قلب پیدا کرده و گریه سر دهند؛ اما شایسته نیست که اشعار بد خوانده شود. در انتهای روایت، حضرت فرمودند که در شب نخوانند چون ملائکه اذیت می‌شوند. اما اینکه اذیت و آزار ملائکه به چه معنی است؟ و آیا در مورد عقل فعال، شب و روز معنی دارد یا خیر؟

بحثی است که معنی و تفسیر خاص خودش را می‌طلبد و ربطی به بحث مورد نظر نداشته و دارای جنبه اخلاقی می‌باشد. اما اصل خواندن زن برای ایجاد رقت قلب، جایز می‌باشد.

۶- «محمد بن الحسن بأسناده عن الحسن بن سعيد عن النضر، عن الحلبي، عن ايوب بن الحر، عن أبي بصير قال: قال ابو عبدالله<sup>(ع)</sup>: لا بأس بأجر النائحة التي تنوح على الميت». [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۱۲ باب ۱۷: ۹۰ روایت ۷]

این روایت موثقه بوده و شیخ آن را در تهذیب و استبصار و صدوق در من لایحضره الفقیه نقل می‌کند.

حضرت می‌فرماید زنی که برای مرده، نوحه می‌خواند اجر و مزدش حلال می‌باشد. پس اصل فعل جایز و درآمد آن هم حلال می‌باشد.

۷- محمد بن علی بن الحسین قال: «قال<sup>(ع)</sup> لا بأس بكسب النائحة اذا قالت صدقاً» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۱۲ باب ۱۷: ۹۱ روایت ۹]

این روایت را صدوق<sup>(ره)</sup> در من لایحضره الفقیه نقل می‌کند که امام<sup>(ع)</sup> فرمودند: زن نوحه‌خوان اگر در نوحه و اشعارش کذب نگوید، مُزد حاصل از آن حلال می‌باشد.

۸- «قال: و سئیل الصادق<sup>(ع)</sup> عن أجر النائحة، فقال: لا بأس به، قد نبح على رسول الله<sup>(ص)</sup>». [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۱۲ باب ۱۷: ۹۱ روایت ۱۰]

صدوق<sup>(ره)</sup> در من لایحضره الفقیه نقل می‌کند که از امام<sup>(ع)</sup> در مورد مزد نوحه‌خوانی زنان سؤال شد. حضرت فرمودند: اشکالی ندارد. چون بر پیغمبر اکرم<sup>(ص)</sup> هم زنان نوحه خواندند.

۹- «أسناده عن شعيب بن وإفد، عن الحسين بن زيد، عن جعفر بن محمد، عن أبان، عن النبي<sup>(ص)</sup>، في حديث المناهي، أنه نهى عن الرثة عند المصيبة، و نهى عن النياحة و الاستماع إليها، و نهى عن تصفيق الوجه». [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۱۲ باب ۱۷: ۹۱ روایت ۱۱]

صدوق این روایت را در من لایحضره الفقیه نقل می‌کند که نبی اکرم<sup>(ص)</sup> از نوحه خواندن و نوحه گوش کردن در مصیبتها و بر سر و صورت زدن، نهی کرده است.



### ج. روایات وارد شده در باب فرائد قرآن

در این زمینه روایات مختلفی وجود دارد. برخی از روایات سفارش می‌کنند که قرآن را با صدای نیکو بخوانید. اما در برخی دیگر، از خواندن قرآن به برخی الحان نهی می‌کنند. باید دید که آیا می‌توان این روایات را با هم جمع کرد؟

۱- «محمد بن یعقوب، عن علی بن محمد، عن ابراهیم الاحمر، عن عبدالله بن حماد، عن عبدالله بن ستان، عن ابی عبدالله<sup>(ع)</sup> قال: قال رسول الله<sup>(ص)</sup>: اقرؤا القرآن بالحان العرب و اصواتها و ایاکم و لحنون اهل الفسق و اهل الکبائر، ...» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۲۴: ۸۵۸ روایت ۱]

این روایت را کلینی در کافی نقل می‌کند و سند خوبی هم دارد. پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> فرمودند که قرآن را با صدای نیکو و به الحان عرب بخوانید، نه به الحان اهل فسق و فجور که سبک خواندنشان نه تنها مُذکّر نبوده بلکه لهو الحدیث هم می‌باشد و موجب غفلت از یاد خدا می‌شود. اما در الحان عرب، حالتی رزمی نهفته شده و خفّت و سبکی در آن راه ندارد و حالت مصمّم بودن را در انسان تقویت می‌کند.

۲- «و عن عدة من اصحابنا، عن سهل بن زياد، عن محمد بن الحسن شَمُون، عن علی بن محمد التوّفلی، عن ابی الحسن<sup>(ع)</sup> قال: ذكّرتُ الصوت عنده، فقال: انّ علی بن الحسین<sup>(ع)</sup> كان یقرأ فریماً مرّاً به المارَ فَصَبِقَ من حُسْنِ صَوْتِهِ.» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۲۴: ۸۵۹ روایت ۲]

کلینی در کافی نقل می‌کند که از امام<sup>(ع)</sup> در مورد صدای خوب سؤال شد، حضرت فرمودند: وقتی که حضرت سجاد<sup>(ع)</sup> قرآن می‌خواندند، کسانی که به ایشان گوش فرامی‌دادند تعادل خود را از دست داده و بیهوش می‌شدند.

البته این بیهوشی به معنای زوال عقل و منحرف شدن نمی‌باشد بلکه از شدت خوف خدا چنین حالتی بروز می‌کرد. در واقع اگر قرآن با صدای نیکو خوانده شود، فرد کاملاً می‌تواند حقیقت و واقعیت قرآن را مجسم کند.

۳- «و عن علی بن ابراهیم، عن ابیه (ابراهیم بن هاشم)، عن علی بن معبد، عن عبدالله بن قاسم، عن عبدالله بن السنان، عن ابی عبدالله<sup>(ع)</sup> قال: قال النبی<sup>(ص)</sup>: لكل شیء حلیة و حلیة القرآن الصوت الحسن.» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۲۴: ۸۵۹ روایت ۳]

این روایت را کلینی در کافی نقل می‌کند و سند خوبی هم دارد که نبی اکرم (ص) فرمودند: هر چیزی یک زیبایی و زینتی دارد و زیبایی قرآن به خواندن با صدای نیکو و موزون است.

۴- «و عنهم، عن سهل، عن الحجال، عن علی بن عبَّه، عن رجل، عن ابی عبدالله (ع) قال: كان علی بن الحسین (ع) أحسنُ الناس صوتاً بالقرآن. و كان السُّقَاوَنُ يَمُرُّونَ فَيَقِفُونَ ببابه يستمعون قرائته.» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۲۴: ۸۵۹ روایت ۴]

کلینی در کافی نقل می‌کند که امام صادق (ع) فرمودند: حضرت سجاده (ع) بهترین و خوش صداترین فرد در قرائت قرآن بود و هنگامی که حضرت قرآن می‌خواندند، سقاهایی که به در خانه حضرت می‌رسیدند، می‌ایستادند و به قرائت ایشان گوش فرامی‌دادند.

۵- «و عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن محبوب، عن علی بن ابی حمزه، عن ابی بصیر، قال: قلت لأبی جعفر (ع): إذا قرأت القرآن فرفعت به صوتی جانی الشیطان فقال: إنما تُرائی بهذا اهلک و الناس، فقال: یا ابا محمد، اقرأ قراءة ما بین القرائتین تُسمع اهلک، و رجِعْ بالقرآن صوتک، فان الله عزوجل یحب الصوت الحسن یرجع فیهِ ترجیعاً.» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۲۴: ۸۵۹ روایت ۵]

این روایت را کلینی در کافی نقل می‌کند. ابوبصیر می‌گوید: به امام باقر (ع) عرض کردم که اگر من قرآن را با صدای بلند بخوانم، شیطان به سراغم می‌آید و مرا وسوسه می‌کند که دارم ریا می‌کنم و می‌خواهم قرآن خواندنم را به زن و بچه‌ام نشان بدهم.

حضرت فرمودند: قرآن را نه خیلی بلند و نه خیلی آهسته، بلکه به گونه‌ای قرائت کن که خانواده‌ات بشنوند و آن را به صورت ترجیع و با کشش و با صوت نیکو بخوان. چرا که خداوند تبارک و تعالی صدای نیکو را دوست دارد.

از اینکه حضرت می‌فرماید که خداوند صدای نیکویی که ترجیع بشود را دوست دارد، مشخص می‌شود که این کار یکی از کمالات محسوب می‌شود و مورد پسند شارع مقدس می‌باشد.

۶- «محمد بن علی بن الحسین فی عیون الأخبار عن محمد بن عمر الجعابی عن الحسن بن عبدالله التمیمی، عن ابیه، عن الرضا<sup>(ع)</sup> قال: قال رسول الله<sup>(ص)</sup>: حَسِنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ، فَإِنَّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا.» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۲۴: ۸۵۹ روایت ۶]

صدوق<sup>(ره)</sup> در عیون الأخبار نقل می‌کند که پیامبر<sup>(ص)</sup> فرمودند که قرآن را با صدای نیکو بخوانید که صدای نیکو بر زیبایی قرآن می‌افزاید.

۷- «و عن محمد بن احمد بن الحسين البغدادي عن علي بن محمد بن عتبسه، عن دارم بن قبيصة، عن الرضا<sup>(ع)</sup> عن آبائه<sup>(ع)</sup> مثلي، و زاد: و قرأ يزيد في الخلق ما يشاء.» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۲۴: ۸۶۰ روایت ۷]

صدوق، این روایت را که مشابه روایت گذشته است در عیون الاخبار آورده است. ولی در انتهای این روایت، جمله‌ای اضافه شده است که با صدای نیکو قرآن خواندن، سبب روی آوردن خلق خدا به سمت قرآن و عشق و علاقه آنها به آن می‌شود.

#### د. روایات وارد شده در باب حرمت غناء

۱- «محمد بن يعقوب عن محمد بن يحيى، عن احمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن ابراهيم بن أبي البلاد، عن زيد الشحام، قال: ابو عبدالله<sup>(ع)</sup>: بيت الغناء لا تؤمن فيه الفجیعة و لا تجاب فيه الدعوة و لا یندخله الملك.» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۹۹: ۲۲۵ روایت ۱]

این روایت را کلینی در کافی نقل می‌کند و سند خوبی هم دارد. امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمودند: خانه‌ای که در آن غناء خوانده شود، از فجایع ایمن نخواهد بود و دعا مستجاب نشده و ملائکه هم به آن خانه وارد نمی‌شوند.

۲- «بالاسناد عن الحسين بن سعيد و محمد بن خالد جميعاً، عن النضر بن سويد عن درست، عن زيد الشحام قال: سألت ابا عبدالله<sup>(ع)</sup> عن قوله عزوجل: «واجتنبوا قول الزور» قال: قول الزور، الغناء.» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۹۹: ۲۲۵ روایت ۲]

کلینی در کافی از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل می‌کند که از حضرت در مورد قول خداوند عزوجل که فرمود «از قول زور اجتناب کنید» سؤال شد، حضرت در پاسخ فرمودند که منظور از قول زور، غناء بوده است.

اما مسلماً در این دو روایت، غنائی از مصادیق لهُو الحدیث و قول زور قرار می‌گیرد که غنای گمراه کننده و مقارن با فعل حرام باشد و موجب ضلالت و معصیت گردد.

۳- «و عن ابی علی الأشعری، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان، عن ابی ایوب الخزاز عن محمد بن مسلم، عن ابی الصّباح، عن ابی عبدالله<sup>(ع)</sup> فی قوله عزوجل: «لَا يَشْهَدُونَ الزُّور»، قال: «الغناء». [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۹۹: ۲۲۶ روایت ۳]

کلینی در کافی نقل می‌کند که امام صادق<sup>(ع)</sup> در توضیح آیه شریفه «لایشهدون الزور»، آن را غناء معنا کردند.

۴- «و عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن مُعَمَّر بن خَلَاد، عن ابی الحسن الرضا<sup>(ع)</sup> قال: خرجت و انا اریدُ داوود بن عیسی بن علی، و كان ینزل بشرمیتون و علی ثوبان غلیظان، فلقيت امرأةً عجوزاً و معها جاريتان، فقلتُ یا عجوز اُتبع هاتان الجاريتان؟ فقالت: نعم. و لكن لا یشریهما مثلك، قلت: و لم؟ قالت: لان احدهما مُغْتَبِیة و الأخری زامرة». [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۹۹: ۲۲۶ روایت ۴]

کلینی این روایت را در کافی نقل می‌کند. در آن اشاره به پسرزنی می‌شود که دو دختر جوان مملوک به همراه او بودند. امام<sup>(ع)</sup> از او پرسید که آیا این دو جاریه را می‌فروشی؟ و او در جواب گفت: بله ولی فردی مثل تو آنها را نمی‌خرد. چرا که یکی می‌نوازد و دیگری آواز می‌خواند.

۵- «و عن علی بن ابراهیم، عن ایبه (ابراهیم بن هاشم)، عن ابن ابی عمیر، عن ابی ایوب، عن محمد بن مسلم و ابی الصّباح الکنانی عن ابی عبدالله<sup>(ع)</sup> فی قول الله عزوجل: «و الذین لا یشهدون الزور». قال: الغناء». [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۹۹: ۲۲۶ روایت ۵]

۶- «و عنه (علی بن ابراهیم)، عن ایبه (ابراهیم بن هاشم)، عن ابن ابی عمیر، عن علی بن اسماعیل، عن ابن مسکان، عن محمد بن مسلم، عن ابی جعفر<sup>(ع)</sup>، قال: سمعته یقول: الغناء مِمَّا

وَعَدَ اللهُ عَلَيْهِ النَّارَ وَ تَلَى هَذِهِ الْآيَةَ «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۹۹: ۲۲۶ روایت ۶]

کلینی در کافی نقل می‌کند که از امام باقر<sup>(ع)</sup> آمده غناء از چیزهایی است که خداوند در مورد آن وعده آتش داده است. سپس حضرت آیه شریفه را تلاوت کرده و غناء را از مصادیق آن قرار دادند و آن را لهو الحدیث دانستند.

۷- «و عنه (علی بن ابراهیم)، عن ابيه (ابراهيم بن هاشم)، عن ابن ابي عمير، عن مهران بن محمد عن ابي عبدالله<sup>(ع)</sup> قال: سمعته يقول: الغناء مما قال الله عزوجل: «و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله.» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۹۹: ۲۲۶ روایت ۷]

که در این روایت نیز حضرت، غناء را بر لهو الحدیث تطبیق کرده است.

۸- «و عنه (علی بن ابراهیم)، عن ابيه، عن ابن ابي عمير، عن بعض اصحابه، عن ابي عبدالله<sup>(ع)</sup> في قول الله تعالى: «و اجتنبوا قول الزور» قال: قول الزور الغناء.» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۹۹: ۲۲۷ روایت ۸]

۹- «و عن عدة من اصحابنا، عن سهل بن زياد، عن يحيى بن المبارك، عن عبدالله بن جبلة، عن سماعة بن مهران، عن ابي بصير قال: سألت ابا عبدالله<sup>(ع)</sup> عن قول الله عزوجل: «فاجتنبوا الرجس من الأوثان فاجتنبوا قول الزور»، قال: الغناء.» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۹۹: ۲۲۷ روایت ۹]

۱۰- «و عنهم، عن سهل بن زياد عن علي بن الریان، عن يونس، قال: سألت الخراساني<sup>(ع)</sup> عن الغناء و قلت: ان العباسی ذکر عنک انک ترخص فی الغناء. فقال: کذب الزندیق ما هكذا قلت له. سألتني عن الغناء، فقلت: ان رجلاً اتى ابا جعفر فسأله عن الغناء، و قال: يا فلان اذا مئير الله بين الحق و الباطل فأين يكون الغناء؟ قال: مع الباطل. فقال: قد حكمت.» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۹۹: ۲۲۷ روایت ۱۰]

کلینی این روایت را در کافی نقل می‌کند که از امام رضا<sup>(ع)</sup> در مورد غناء سؤال شد و گفته شد که مأمون عباسی از قول شما غناء را جایز دانسته است. اما حضرت این سخن را رد کرده و آن را کذب دانستند و گفتند که او از من در مورد غناء سؤال کرد و من با سوالی که از امام

باققر<sup>(۴)</sup> در مورد تمییز بین حق و باطل و جایگاه غناء شده بود، به او پاسخ دادم که امام باقر<sup>(ع)</sup> غناء را در سمت باطل قرار دادند.

۱۱- «و عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی شمیم، عن مهران بن محمد، عن الحسن بن هارون، قال سمعت ابا عبدالله<sup>(ع)</sup> یقول: الغناء مجلس لا ینظر الله الی اهلی، و هو ممّا قال الله عزوجل: «و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل الله.» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۹۹: ۲۲۸ روایت ۱۶]

در این روایت نیز امام<sup>(ع)</sup>، غنا را لهو الحدیث دانسته است. اما مهم آن است که ایشان از غناء به «مجلس» تعبیر کرده است و این نشان دهنده این است که غنای منهی، صرف آوازخواندن نیست بلکه مجلسی است که در آن آواز خوانده می شود. امامان<sup>(ع)</sup> با عنایت خاصی این کلمه را به کار می بردند زیرا منظورشان، مجالس لهو و لعبی بود که در زمان بنی امیه و بنی عباس تشکیل می گردید و در آن محرّمات زیادی از جمله اختلاط محرم و نامحرم، رقص، شرب خمر و همچنین غناء انجام می شد.

۱۲- «و فی عیون الاخبار بأسانیده السابقه فی إسباغ الوضو عن الرضا<sup>(ع)</sup> عن ابانه عن علی<sup>(ع)</sup> قال: سمعت رسول الله<sup>(ص)</sup> یقول: اخاف علیکم استخفافا بالدين، و بیع الحکم، و قطیعة الرّجیم و أن تتخذوا القرآن مزامیر، تُقدّمون احدکم و لیس بأفضلکم فی الدین.» [حر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۹۹: ۲۲۹ روایت ۱۸]

در عیون الاخبار، روایتی از رسول اکرم<sup>(ص)</sup> نقل شده است: در مورد چند چیز بر شما می ترسم. از اینکه دین را کوچک بشمارید. احکام خدا را عوض کرده و به نفع دیگران بفروشید. با محارم خود قطع رحم کنید. قرآن را با آواز بخوانید و کسی از شما که افضل در دین نیست ریاست عامه مسلمین را بر عهده بگیرد (که اشاره به غضب خلافت امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> می کند).

۱۳- «محمد بن الحسن فی المجالس و الاخبار عن احمد بن محمد بن الصلت، عن احمد بن محمد بن سعید بن عقده، عن جعفر بن عبدالله العلوی، عن القسم بن جعفر ابن عبدالله، عن عبدالله بن محمد بن علی العلوی، عن ابیه عن عبدالله بن ابی بکر، عن محمد عمرو بن خزم فی

حدیث قال: دخلتُ على أبي عبدالله<sup>(ع)</sup> فقال: الغناء اجتنبوا الغناء، اجتنبوا قول الزور، فما زال يقول: اجتنبوا الغناء، اجتنبوا، فضاقت بي المجلس و علمتُ أنه يُعنيني. [حصر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۹۹: ۲۳۰ روایت ۲۴]

این روایت را شیخ طوسی از محمد بن عمرو بن حزم نقل می‌کند که او می‌گوید: به محضر امام صادق<sup>(ع)</sup> رفتم و حضرت مرتب تکرار کردند که «اجتنبوا الغناء، اجتنبوا قول الزور». به طوری که من دریافتم که منظور حضرت من هستم. چرا که من آواز می‌خواندم.

۱۴- «و فی المقنع قال الصادق<sup>(ع)</sup>: شَرُّ الاصوات الغناء.» [حصر عاملی ۱۴۰۳ ج ۴ باب ۹۹: ۲۲۹ روایت ۲۲]

شیخ مفید در مقنع از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل می‌کند که حضرت بدترین صداها را غناء دانستند.

### نظر مرحوم محقق سبزواری در خصوص جمع روایات در باب غناء

مرحوم محقق سبزواری صاحب کفایه در خصوص جمع این روایات ظاهراً متعارض می‌فرماید: «انَّ الجمع بین هذه الاخبار و الاخبار الكثيره الدالّٰه علی تحريم الغناء يمكن بوجهين: احدهما تخصيص تلك الاخبار الواردة المانعه بما عدی القرآن، و حمل ما يدلُّ علی ضمَّ التَّغْنٰی بالقرآن علی قرآنه تكون علی سبيل اللّٰهو كما يصنع الفساق فی غنائه».

ایشان روایات مختلف را اینگونه با هم جمع می‌کند که بگوئیم اخباری که دلالت بر تحریم غناء می‌کند مربوط به غیر قرآن است و غنای در قرآن اشکالی ندارد و اما روایاتی که غنای در قرآن را نهی می‌کند مربوط به حالتی است که قرآن به طریق لهو و به سبب اهل فسق و فجور خوانده شود.

### نتیجه‌گیری

از مجموع روایات، اینطور نتیجه می‌گیریم که دو نوع غناء داریم: غنای محلل و غنای محرم. اصل غناء به معنای صدای موزون و آواز، امری مباح است. حال اگر این امر مباح با اشعار گمراه‌کننده و ذوالمفسده و یا با الحان اهل فسق و فجور خوانده شود، حرام می‌گردد. چسرا که

مجموعاً کلام باطل را تشکیل می‌دهد. لذا روایاتی که دلالت بر قرآن خواندن با صوت نیکو و جواز غناء در مجالس عروسی، عید فطر، قربان، سرور و شادیها می‌کند، ناظر به غنائی است که موجب انحراف نگردد و مقارن با معصیت خدا نباشد. چرا که بر اساس یکی از قواعد مسلم فقه شیعه، دلیلی بر حرمت چنین غنائی نداریم.

این قاعده که به قاعده «اصالة الحل» معروف است می‌گوید: «کل شیء هو لک حلال حتّی تعرف الحرام منه بعینه». یعنی هر چیزی برای شما حلال است مگر آنکه از طرف قانونگذار حرمت آن بیان شود.

و این قاعده هم در شبهات حکمی که منشاء آن، فقد نص یا اجمال نص است، جاری می‌شود و هم در شبهات موضوعیه که منشاء شبهه، امور خارجیه است. لذا اصل اولیه بر حلیت است و اگر کسی بخواهد برخلاف آن بگوید که چیزی حرام است باید دلیل متقن ارائه دهد.

اما روایاتی که در باب حرمت غناء وارد شده است، ناظر به مواردی است که خود غناء ویژگی خاصی پیدا می‌کند مثلاً مشابهت با لحن اهل فسق و فجور می‌یابد و موجب غفلت از یاد خدا و وقوع در معصیت می‌شود و انسان را از حالت تغادل خارج می‌کند.

یا اینکه ناظر به مجالس لهو و لعبی است که در کنار غناء، سایر محرّمات دیگر نیز انجام می‌شود که کل مجلس تبدیل به مجلس معصیت می‌گردد. در این حالت غناء از مصادیق «لهو الحدیث» و «قول زور» می‌شود.

بنابراین نه به طور مطلق می‌توان گفت که غناء جایز است و نه به طور مطلق می‌توان گفت که غناء جایز نیست و حرام است، بلکه باید قائل به تفصیل شد.

و الحمد لله رب العالمین



## منابع

- جرعاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۳). وسایل الشیعه. لبنان: دار احیاء التراث العربی. چاپ پنجم. ابواب  
مایکنسبیه. ابواب قراءه القرآن.
- طبری، محمدبن جریر. تاریخ طبری.
- فیض کاشانی، محسن. [ملا]. والی.
- سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن. [محقق]. کفایة الاحکام.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز  
پښتونستان ښار علمي مرکز